تحلیل جامعه‌شناختی احساس آنومی اقتصادی در میان جوانان

ملیحه شیانی*، محمدعلی محمدی**

طرح مسأله: *دگرگونی‌های پدید آمده در چند دههٔ اخیر به نحو چشم‌گیری بر شکل‌گیری و تشدید مشکلات اجتماعی جوانان تأثیر گذارده است. از جملهٔ مشکلات اجتماعی می‌توان به «احساس آنومی» در میان افراد اشاره کرد که بازتاب شرایط نابسامان و آنومیک جامعه است. مقاله حاضر به سنجش احساس آنومی اقتصادی در میان جوانان شهر تهران و برخی عوامل تأثیرگذار بر آن می‌پردازد.*

روش: *پس از بررسی منابع و نظریه‌ها و تدوین چارچوب نظری، با شیوهٔ پیمایش و استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شد. حجم نمونه ۸۱۶ نفر از جوانان شهر تهران بوده که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و به صورت تصادفی انتخاب شدند.*

یافته‌ها: *نسبت قابل توجهی از جوانان در ارزیابی خود وضعیت نابسامان و آنومیک جامعه را به تصویر می‌کشند و در حالتی از گسستگی میان خود و جامعه قرار دارند. این احساس آنومی اقتصادی متأثر از عوامل فردی، خانوادگی، نگرش‌ها و حالات سردرگمی، بدبینی و بی‌اعتمادی در جوانان است.*

نتایج: *یافته‌های پژوهش منطبق با نظریه‌های جامعه‌شناختی به ویژه آراء دورکیم و مرتون نشان می‌دهد احساس آنومی اقتصادی، در حقیقت، عدم تناسب نیازها و اهداف و امکانات مالی و اقتصادی و راه‌های دستیابی به آن اهداف بوده که در شخصیت جوانان درونی شده است.*

کلید واژه‌ها: آنومی، احساس آنومی اقتصادی، جامعه آنومیک، جوانان، مشکلات اجتماعی

تاریخ دریافت: ۸۶/۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۸۶/۶/۱۸

* دکتر جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران <Mshiani@ut.ac.ir>

** دکتر جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

مقدمه

با توسعهٔ روند جهانی شدن و قابلیت ادغام‌پذیری مرزهای جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی با اوج فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، مسایل پیچیده و چالش آفرین جوانان نیز به پدیده‌ای عام و جهانی تبدیل شده است. وجود مسائلی چون بیکاری، فقر، افزایش رقابت برای یافتن فرصت‌های شغلی، بلاتکلیفی و تردید در مورد آینده، بی‌اعتمادی، سردرگمی و ... در اکثر کشورهای جهان امکان اندیشیدن مناسب درخصوص واقعیات زندگی جوانان امروز را پدید آورده است. به بیان دیگر، جهان امروز در معرض بزرگ‌ترین تحولات تاریخ بشر قرار دارد، دگرگونی‌هایی که فرصت هنجاری شدن و انطباق با شرایط جدید را محدود کرده و در بسیاری موارد امکان تصمیم‌گیری مناسب را فراهم نمی‌آورند.

شتاب چنین دگرگونی‌هایی در کشورهای در حال توسعه به نحوی سرنوشت‌ساز بر شکل‌گیری و تشدید مشکلات اجتماعی جوانان تأثیر گذارده است. آنومی[1] به عنوان یک مشکل اجتماعی نیز برخاسته از شرایطی است که بخشی از آن به دگرگونی‌های شتابان و بخشی دیگر به نابسامانی‌های موجود در جامعه مربوط است. در این بستر، به تعبیر برخی صاحب‌نظران جامعه‌شناسی، می‌توان از آنومیِ درونی شده در شخصیت افراد هم سخن گفت، احساس درونی که بازتاب شرایط نابسامان و آنومیک جامعه است. در شرایط آنومیک به دلیل ضعف در حاکمیت هنجارها، تعارض میان آن‌ها و حتی پدید آمدن عرصه‌هایی فاقد هنجارهای روشن، عدم التزام به قواعد اخلاقی و اجتماعی پدید می‌آیند و الگوها به خوبی راهنمای رفتارهای اجتماعی نیستند؛ به عبارتی در این شرایط اختلال، تعارض، ناپایداری هنجاری و در برخی زمینه‌ها بی‌هنجاری به خوبی قابل مشاهده است.

کشور ایران نیز با قرار گرفتن در مسیر تحولات شتابان جهانی شدن از یک سو و رخدادهای مهم اجتماعی ـ سیاسی و تغییرات ساختاری ناشی از آن در دهه‌های اخیر از سویی دیگر، بستر مناسبی برای وضعیت بحرانی و آنومیک بوده است. در این شرایط، یکی از

1. Anomie

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

مسایل و مشکلات اساسی نظام‌های اجتماعی ـ سیاسی به منظور جذب و ادغام جوانان در بدنهٔ اجتماعی، تفاوت میان انتظارات و خواسته‌های آنان با امکانات و راه‌های دستیابی به آن‌ها است که احساس عدم سنخیت با ساختار ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را بازتاب می‌دهد. «احساس آنومی» بر اساس کیفیت مسایل پیش آمده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه می‌تواند جهت‌گیری متفاوتی داشته باشد و در ابعاد مختلف مورد توجه قرار گیرد. از آن‌جا که در ایران امروز تأثیرگذاری تحولات بر شرایط اقتصادی جامعه پیامدها و آثار متعددی را بر جای گذاشته و ارزیابی جوانان از این وضعیت اهمیت شایان توجهی دارد، از میان ابعاد مختلف آنومی، «احساس آنومی اقتصادی» جهت مطالعه انتخاب شده است. در این حوزه، پیش‌تر «آنومی سیاسی در ایران» (کوثری، ۱۳۸۲)، «بررسی آنومی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانشجویان» (گیویان، ۱۳۷۳)، «سنجش و بررسی احساس آنومی در میان جوانان» (مرجایی، ۱۳۸۲)، «بررسی مسائل و مشکلات جوانان در ایران» (پیران، ۱۳۸۵) و مفاهیم مشابهی مثل «بیگانگی» (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰) مورد مطالعه قرار گرفته است.

در این مقاله تلاش گردیده تا با استناد به یافته‌های پژوهشی که در سال ۱۳۸۴ انجام شده تصویری از احساس آنومی اقتصادی در میان جوانان شهر تهران ارائه و سپس در شرایط ساختاری پدید آورنده آن، ارتباط میان برخی متغیرهای تأثیرگذار بر احساس آنومی اقتصادی تبیین و تحلیل شود.

۱) رهیافت‌های نظری

واژهٔ آنومی را به لحاظ مفهومی با توجه به عناصر تشکیل دهندهٔ آن می‌توان درک کرد. در زبان یونانی «نوموس[1]» به معنای قانون است که با پیشوند «آ» یا «بدون»، معنای بی‌قانونی از آن مستفاد می‌شود. بنابراین از نظر ریشهٔ لغوی، آنومی فقدان قوانین یا هنجارها را می‌رساند. در برابر آنومی، واژهٔ «سینومی[2]» قرار دارد که نشان‌دهندهٔ جامعه یا وضعیت

1. Nomos
2. Synnomie

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

اجتماعی دارای آگاهی جمعی، درجهٔ بالای همبستگی اجتماعی، شبکهٔ اجتماعی قدرتمند و میزان بالای سرمایهٔ اجتماعی است که به دلیل عواملی چون نظام خانوادهٔ گستردهٔ قوی، هنجارهای فرهنگی، رفتارهای دینی، قواعد حقوقی منسجم و ... از وضعیت سینومی یا غیر آنومیک بهره‌مند شده است (Stockard, 2000 : 142).

آنومی وضعیتی اجتماعی است که خصیصهٔ بارز آن از هم پاشیدگی معیارهای حاکم بر روابط و تعاملات اجتماعی است. مفهوم آنومی شکاف موجود میان تفسیر عمل اجتماعی در سطح فردی را با تفسیر آن در سطح ساختار اجتماعی با پیوند میان آن‌ها، پر می‌کند. تعبیر کلاسیک آن در جامعه‌شناسی توسط امیل دورکیم مطرح شده است. به نظر دورکیم، مردم فقط هنگامی می‌توانند سعادتمند شوند که خواسته‌هایشان با امکانات و وسایل نیل به آن‌ها تناسب داشته باشد. بسیاری از تفاسیر ارزشی قائل به چنین هماهنگی و تناسبی نیستند و وضعیت آنومیک هم برخاسته از عدم تناسب میان خواسته‌ها و اهداف و وسایل و راه‌های دستیابی به آن‌ها است (Abercrombie, et. al., 1988 : 11).

امیل دورکیم اولین بار در سال ۱۸۹۳ از مفهوم آنومی استفاده کرد، اما در سال ۱۸۹۷ تأثیر آن را به عنوان یک متغیر در مهار اخلاقیات جامعه مورد بررسی قرار داد. به اعتقاد دورکیم، وقتی فقدان التزام اجتماعی به قوانین، هنجارها و قواعد به وجود آید، افراد احساس می‌کنند راهنمایی در انتخاب‌های خود ندارند؛ در نتیجه حالتی از گسستگی و بی‌سامانی در نظام اجتماعی آشکار می‌شود. در حقیقت، تضعیف هنجارهای نظم دهنده به رفتارها وضعیت آنومیک خوانده می‌شود. وی دو دلیل عمده برای بروز آنومی در جامعه را بر می‌شمارد: گسترش بی‌مهار صنعتی شدن در غرب (که باعث بی‌قاعدگی گردیده) و سلطهٔ اقتصاد بر نهادهای اجتماعی؛ به این معنا که پیشرفت اقتصادی، محدودیت‌ها را از بین برده، هنجارهای نظم‌دهنده به رفتارها را تضعیف و به سه طریق ذیل وضعیت اجتماعی را متأثر ساخته است:

الف) اقتصاد با کنار زدن سلطهٔ دین بر وضعیت موجود باعث از بین رفتن سازوکارهای سنتی برای توجیه جایگاه فرد در نظام اجتماعی می‌شود که کاهش رضایت اجتماعی را در پی خواهد داشت.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

ب) سرمایه‌داری اقتصادی نظم و قاعده در موضوعات اقتصادی را از بین برده و زندگی اقتصادی را بر وضعیت و کارکردهای اجتماعی مسلط می‌کند.

ج) همچنان‌که نیازها و خواسته‌های اجتماعی دچار بی‌نظمی شده و محدودیت‌های اجتماعی از بین می‌رود، وضعیت زندگی فعلی فرد در مقایسه با رؤیاها و آرمان‌هایش به نظر بی‌ارزش رسیده و جامعه هم چنین القا می‌کند که فقط تعداد اندکی موفق می‌شوند. بنابراین، آنومی در شرایط پدید آمدهٔ ناشی از زوال نیروهای نظم دهندهٔ جامعه در اثر پیشرفت اقتصادی آشکار می‌شود (Morrison, 1995 : 187).

دورکیم در تبیین خودکشی در کشورهای صنعتی غرب نیز بر تأثیر تضعیف هنجارهای نظم دهنده به رفتارها ـ آنومی ـ در قالب انواع خودکشی چنین بیان می‌دارد که خودکشی خودخواهانه[1] به دلیل فردگرایی شدید و نظم اخلاقی جامعه، اندیشه‌ها و راه‌های دوری فرد از هنجارها را تشویق می‌کند. در خودکشی دگرخواهانه[2] پیوستگی فرد و جامعه قوی بوده و این رفتار به خاطر جمع انجام می‌شود، در حالی‌که در مورد سوم که همان خودکشی آنومیک است، جامعه نیروی تنظیمی خود را در اثر فشارهای اقتصادی برای پیشرفت‌های جدید از دست داده است. وقتی جامعه با بحران‌های دردناک و یا گذار اقتصادی مواجه می‌شود، نمی‌تواند در زمان مناسب، این تغییراتِ یک‌باره را هضم کند که در این وضعیت منحنی خودکشی افزایش می‌یابد. (Durkheim, 1951 : 252-5). البته نوع دیگری از خودکشی، با عنوان خودکشی قدرگرایانه[3] هم با صراحت کمتری مطرح شده است. خودکشی قدرگرایانه ناشی از ناامیدی در زندگی و احساس اسارت در سرنوشت است که امکان تغییر وضعیت را ناممکن می‌سازد.

به نظر دورکیم، مسألهٔ بی‌هنجاری در دنیای جدید به صورت مزمن در آمده و در حرکت به سوی پیشرفت اقتصادی، روابط انسان‌ها از نظارت نظم اخلاقی جامعه سنتی رها شده و قدرت اخلاقی کافی جهت نظارت بر حوزهٔ تجارت و صنعت وجود ندارد. دین هم سلطهٔ

1. Egoistic
2. Altruistic
3. Fatalistic

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

خود را از دست داده و دولت به جای این‌که زندگی اقتصادی را سامان بخشد، به ابزاری در دست سرمایه‌داری و پیشرفت اقتصادی تبدیل شده است (Abraham, et. al., 1994: 118).

رابرت کینگ مرتون تلقی دورکیم از آنومی را در قالب «نظریهٔ استیصال[1]» خود بسط داده است. او در توضیح دلایل تفاوت نرخ جرم در بین طبقات بالا و پایین ادعا کرده که دو ساختار در بروز جرم و انحراف دخیل است. ساختار اول، اهداف و آرزوهایی که به لحاظ فرهنگی تعریف شده و تمام افراد جامعه در طول زندگی خواهان آن هستند. ساختار دوم، وسایل و راه‌های نهادینه شده برای رسیدن به اهداف و آرزوها. در سطح خرد زمانی که فرد شیوه‌ای تأیید شده برای دستیابی به اهداف خود نداشته باشد، مستأصل شده و به وسایل نامشروع متوسل می‌شود. در سطح کلان هم وقتی جامعه توان ارائهٔ ابزار و وسایل قابل قبول برای دستیابی به اهداف مطرح در سطح خرد را ندارد، خود باعث ایجاد آنومی می‌شود. البته جوامع از لحاظ درجهٔ اهمیتی که برای اهداف و وسایل قائل می‌شوند با یکدیگر تفاوت دارند(Merton, 1938 : 672-82).

مرتون در تأکید منشأ جرم معتقد است که ترغیب موفقیت‌های مالی و اهمیت آن در جامعه و فقدان فرصت و ابزار لازم دستیابی به موفقیت‌ها منجر به وقوع جرم می‌شود، به این معنا که تفاوت میان خطوط راهنمای فرهنگی برای دستیابی به آرزوهای موفقیت اقتصادی و توزیع امکانات ساختاری، وضعیت آنومی را پدید می‌آورد که عامل بروز رفتارهای مجرمانه است (Merton, 1968).

طبقات پایین جامعه که برای دستیابی به اهداف اقتصادی از فرصت‌های کمتری برخوردارند، بیشتر در معرض چنین فشاری قرار گرفته و از فرط استیصال بیشتر در معرض ارتکاب به اعمال مجرمانه قرار می‌گیرند. این فرایند غالباً در دورهٔ جوانی و گروه جوانان شایع‌تر است. البته نظام اجتماعی می‌تواند به آن‌هایی که به لحاظ اقتصادی موفق نشده‌اند (بازنده‌ها) پاداش‌هایی بدهد و از این راه ثبات خود را حفظ کند، اما جامعه معمولاً به برنده‌ها پاداش می‌دهد و این خود باعث نوعی دیگر از ناهنجاری بین

1. Strain Theory

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

ارزش‌گذاری نظام اجتماعی و جامعه می‌شود که از علل بروز آنومی است. به نظر مرتون پاسخ افراد به فشارهای اجتماعی و وضعیت آنومی در جامعه، متفاوت است و این تفاوت با گونه‌شناسی وضعیت سازگاری فرد قابل تبیین می‌شود.

عمومی‌ترین پاسخ به فشارهای اجتماعی همنوایی با اهداف و راه‌های نهادینه شده است. برخی از افراد جامعه معمولاً و به هر حال چه موفقیت به دست بیاورند و یا نه تابع هستند. این‌ها وضعیت اجتماعی را پذیرفته و احساس آنومی به آنان دست نمی‌دهد. اما افرادی که از مناسبات اجتماعی ناراضی بوده و به هر طریقی عکس‌العمل نشان دهند، جزو افراد منحرف و یا هنجارشکن به حساب می‌آیند که البته مجرمان هم در میان همین گروه از افراد هستند. در میان این گروه از افراد جامعه، مبدعان یا نوآوران قرار دارند که اهدافی که به لحاظ فرهنگی تعریف شده را قبول دارند، اما وسایل و راه‌های رسیدن به آن اهداف را کافی ندانسته و وسایل یا راه‌های موجود را نمی‌پذیرند. سارقان بانک، اختلاس کنندگان، کلاهبرداران، توزیع کنندگان موادمخدر و سیاستمداران دغل‌باز جزو این دسته از افراد هستند. جذب افراطی انتظارات و اهداف جامعه به مراسم‌گرایی منجر می‌شود. در این حالت اهداف همچون عنصری خارج از دسترس با نارضایتی رها می‌شود، اما همرنگی با رسوم و سنت‌ها حفظ می‌شود. افراد محافظه کار، نگران آن هستند که مبادا همین شرایط اندک را هم از دست بدهند. این افراد اگر چه اهداف را رد می‌کنند اما وسایل تعیین شده را می‌پذیرند.

انزواگرایان یا واپس‌گرایان در حالی‌که عضو جامعه هستند اما به آن احساس تعلق نمی‌کنند و به کلی از بودن در جامعه انصراف داده و اهداف و آرزوهای تعیین شده توسط جامعه و راهها و وسایل دستیابی به آن را انکار و رد می‌کنند. معتادان و بی‌خانمان‌ها از این دسته هستند که با فرار از جامعه تضاد را برای خود حل می‌کنند. گروه آخر، شورش‌گران هستند که ممکن است به دلیل عدم پذیرش اهداف یا وسایل، اقدام به شورش کنند. در این هنگام، افراد به دلیل ناکامی یا قرار گرفتن در حاشیهٔ جامعه می‌خواهند خود را از فشار معیارهای حاکم رها کنند و سعی در بر قراری نظم اجتماعیِ جایگزین دارند. فعالان سیاسی و اجتماعی از آن جمله‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

نکتهٔ مهم مرتون این است که انحراف، از «شخصیت ناهنجار» ناشی نمی‌شود بلکه محصول فرهنگ و ساختار جامعهٔ آنومیک است. این وضعیت در «جوامع توده‌ای[1]» به دلیل توجه به سطوح کلان اجتماعی[2] و غفلت از سطوح خرد[3] امکان ظهور آنومی را تقویت می‌کند (Sztompka, 1994 : 79).

آلبرت کوهن (Cohen, 1977) در کتاب «پسران بزهکار[4]» با استفاده از نظریهٔ مرتون علل شیوع بزهکاری جوانان طبقات پائین را در قالب دارودسته[5] توضیح می‌دهد. به نظر کوهن جوانان طبقات پایین شانس کمی برای حضور و یا موفقیت در مدارس طبقهٔ متوسط دارند که در آن امکاناتی چون آموزش مهارت‌های کلامی، موفقیت‌های آکادمیک، پاکیزگی و شیک‌پوشی و امکان طولانی‌تر کردن دوران خوب و خوش تحصیل وجود دارد. آنان با محرومیت از این امکانات و فرصت‌ها از فرط استیصال و برای حفظ عزت‌نفس، نظم و قواعد موجود را نفی کرده و استانداردها و شئونی را تعریف می‌کنند که برای آن‌ها قابل دسترسی است. برای همین هم خشونت و بی‌رحمی، جرأت و قدرت ویران‌گری، بخش ضروری و اصلی این شأن جدیدی است که در واکنش به جوانان طبقات بالا تعریف و برگزیده می‌شود، کاری که آن‌ها جرأت انجام دادنش را ندارند! فعالیت‌های آنان همراه با نفی هنجارهای اجتماعی است و خرده فرهنگی را شکل می‌دهد که در تضاد با هنجارهای جامعه قرار دارد. جوانان با پذیرش این خرده فرهنگ، هنجارهایی را مبنای رفتار قرار می‌دهند که نقطه مقابل هنجارهای اجتماعی است. با این بررسی، کوهن رفتار انحرافی را به عنوان رفتار نقض کننده انتظارات نهادینه – انتظاراتی که در نظام اجتماعی شکل گرفته و مشروع شناخته شده ـ تعریف کرده است (Cohen, 1955 : 462).

1. Mass Society
2. Macro Level
3. Micro Level
4. Delinquent Boys
5. Gang

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

کلووارد و اوهلین نیز با تأثیرپذیری از مرتون، گروه‌های بزهکار و نوع فرصت‌های آنان را برای رفتارهای انحرافی مورد بررسی قرار دادند. با این اعتقاد که هنجارهای اجتماعی دارای دو جنبه هستند: آن‌چه باید انجام داد و آن‌چه نباید انجام داد. این هنجارها مرز میان عمل درست و نادرست را مشخص می‌کنند. آنان در عرصهٔ مطالعهٔ خود، سه دسته از جوانان را شامل مجرم، ستیزه‌جو و منزوی از هم تفکیک کردند. جوانان عضو این دسته‌ها به دلیل ناکامی و شکست در کسب معیارهای حاکم برای موفقیت، به این عضویت تن داده و احساس می‌کنند وسایل رفع نیازهایشان مشروعیت ندارد. البته تمام محله‌ها فرصت‌های برابر برای بروز انحراف و جرم در آن‌ها فراهم نیست. در طبقات بالا هماهنگی میان وسایل و اهداف منجر به رعایت هنجارهای اجتماعی می‌شود، اما در طبقات پائین و محله‌ها، جوانان به دلیل آشنایی با افراد مجرم و راه‌های نامشروع دستیابی به امکانات و اهداف مادی، چاره را در همراهی با آنان می‌یابند. در این شرایط، احساس آنومی با طبقهٔ اجتماعی و محلهٔ زندگی جوانان ادغام شده و آنان را در انتخاب راه ناصحیح در قالب دسته‌های مجرم، ستیزه‌جو و منزوی ناگزیر می‌سازد (Cloward & Ohlin, 1960, 1998).

در محله‌های دارای شبکهٔ مجرمانه، این دارودسته‌ها می‌توانند افراد را از جرائم کوچکی مثل دزدی به جرایم بزرگی مثل جنایت سوق دهند. اما در محله‌های فاقد چنین شبکهٔ مجرمانهٔ بزهکاری، دارودسته‌ها در قالب نزاع و اوباش‌گری نمود پیدا می‌کند که صرفاً به دنبال منافع مادی یا اقتصادی نیستند بلکه قصد به رسمیت شناساندن وضعیت خود و اعتراض به وضع موجود را دارند. آن دسته از جوانانی که دچار آنومی شده‌اند و نه قادر هستند با نظم اجتماع موجود بسازند و نه می‌توانند با دارودستهٔ جوانان محله هماهنگ شوند، به سمت اعتیاد گرایش پیدا می‌کنند (Giddens, 1985 : 127-9).

آنومی افزون بر رفتارهای مجرمانه در بسیاری از موارد با مفهوم از خودبیگانگی[1] همراه می‌شود. هنگامی که هنجارها قدرت حفظ وفاداری عمومی را ندارد و احساس از هم گسیختگی فرد را از جمعی که به آن تعلق داشته، دور می‌کند از خود بیگانگی به وجود

1. Alination

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

می‌آید. به تعبیری، نوعی تجربهٔ از دست دادن احساس هویت و تلاش برای یافتن شکل جدیدی از هویت فرهنگی در جامعه است (Brenstein, 1986 : 178). فردی که دچار این احساس شده، خود را به تنهایی مسبب ناهنجاری رفتاری خود ندانسته و بیشتر جامعه و مدیران آن را مسئول می‌داند. کتاب «بیگانه» اثر آلبرکامو بیان‌گر چنین ایده‌ای است.

ایده‌های اندیشمندانی چون مرتون و نسل بعد از او که بین آنومی و بزهکاری‌های اجتماعی در میان جوانان ارتباط برقرار کردند، باعث تأسیس نهادهایی از دههٔ ۱۹۶۰ به بعد در کشور آمریکا جهت ایجاد فرصت‌های برابر نیل به اهداف اقتصادی جوانان گردید که از آن میان، برنامه «جنبش جوانان[1]» وابسته به مؤسسهٔ کندی به موانع ساختاری در جامعه برای پیشرفت طبقات پایین حمله کرده و برنامه‌های آموزشی و سایر خدمات حمایتی برای اصلاح وضعیت استخدام جوانان طبقات پایین جامعه را به اجرا گذاشت (Agnew & White, 1992).

با توجه به رویکردها و نظریه‌های مورد بررسی که چارچوب نظری پژوهش را تشکیل می‌دهند، می‌توان دریافت که مشکلات برخاسته از انتظارات فزاینده، اما برآورده نشدهٔ جوانان بازتاب شرایط آنومیک جامعه است، بر این نکته تأکید دارد چنان‌چه به دلیل فاصلهٔ ساختی اهداف فرهنگی از فرصت‌های عملی و وسایل اجتماعی، رفتارهای افراد برای دستیابی به موفقیت‌ها همگام با توانایی تحقق خواسته‌ها از طریق قانون پیش نرود، این امر موجب ناکامی و احساس آنومی می‌شود. این احساس افزون بر شرایط ساختاری جامعهٔ متاثر از ویژگی‌های فردی، خانوادگی و نگرش‌های جوانان نیز هست که تفاوت میان افراد و گروه‌ها را در جامعهٔ آنومیک به تصویر می‌کشند.

البته دورکیم معتقد بود که می‌توان برای آنومی راه‌حلی در درون چارچوب موجود جامعه پیدا کرد که مهم‌ترین راه‌حل، بازگشت به «اخلاق» بود. به نظر دورکیم، فعالیت اقتصادی می‌بایست به وسیلهٔ انجمن‌های صنفی به تابعیت قواعد اخلاقی در بیاید. منابع مختلف به وسیلهٔ هیأت اداری منتخب آزاد، راهبری شود که در آن نمایندگان تمام صنوف حضور داشته باشند. این هیأت می‌تواند آن‌چه که مستلزم کار و بازار است (مثل رابطهٔ

1. Mobilization for Youth

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

کارگر و کارفرما، وضعیت کار، حقوق و مزایا، روابط رقبا نسبت به همدیگر و غیره) را تنظیم نماید. چنین انجمنی می‌تواند مسألهٔ آنومی را به دو شیوهٔ زیر حل کند: از طرفی می‌تواند مانع رشد فردگرایی مفرط شده و فرد را به گروه اجتماعی پیوند زده و کنترل اجتماعی را بازسازی کند. از طرف دیگر، یک اجماع نسبت به پاداش‌ها و هنجاری شدن آن را به‌وجود آورد (Haralambos, 1992 : 238-40).

۲) روش‌شناسی

روش مورد استفاده در پژوهش که نوشتار حاضر بر اساس یافته‌های آن تدوین شده، پیمایش بوده است. با توجه به رهیافت‌های نظری و ملاحظات عملی از تکنیک پرسش‌نامه و مصاحبه جهت گردآوری اطلاعات استفاده شده است. در تنظیم پرسش‌نامه مراحل مختلفی طی شده است: مصاحبهٔ اکتشافی با نمونه‌هایی از جوانان تا زمینه‌ها، شرایط و نگرش‌های متفاوت که بر احساس آنومی اقتصادی آنان بر اساس دیدگاه‌ها و نظریه‌ها فرض می‌شود، شناسایی گردند. نتایج مصاحبه‌ها نکات ارزشمندی را آشکار کرد که در تنظیم نهایی پرسش‌نامه از آن‌ها بهره‌گیری شد.

جامعهٔ آماری را جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران تشکیل می‌دهند که با کاربرد روش‌های نمونه‌گیری احتمالی انتخاب شده‌اند. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده و برای تعیین حجم نمونه از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده شده که حجم نمونه ۸۱۶ نفر برآورد شده است. مبنای انتخاب جوانان نقشهٔ کل بلوک‌های شهر تهران و چارچوب نمونه بوده است. هر نمونه تصادفی هم به صورت مصاحبه حضوری پاسخگوی پرسش‌های مندرج در پرسش‌نامه بوده است.

اصلی‌ترین متغیر، احساس آنومی اقتصادی بوده که بر اساس نظریه‌های جامعه‌شناسان به معنای احساس عدم تناسب میان نیازها، خواسته‌ها، اهداف اجتماعی و امکانات مالی و اقتصادی از یک سو و راه‌ها و وسایل دستیابی به آن‌ها از سویی دیگر است. متغیر وابسته به صورت مقیاسی چند گزینه‌ای در ابعاد زیر اندازه‌گیری شده است:

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

- کنترل اقتصاد جامعه توسط تعداد کمی از افراد
- اقدامات لازم برای تغییر وضعیت اقتصادی کشور
- تبعیت از قوانین و قواعد اخلاقی به منزلهٔ موفقیت کمتر
- افزایش غیرقابل قبول فاصلهٔ فقیر و غنی در جهان
- عدم کنترل بر مسائل اقتصادی چون تورم و ... در جهان
- پرداخت رشوه برای حل مشکلات
- نابسامانی شرایط اقتصادی در جامعه

از مجموع نمرات گویه‌ها یک شاخص کلی با عنوان احساس آنومی اقتصادی ساخته شد. پس از ساختن شاخص کلی و دیگر شاخص‌ها در قالب متغیرهای مستقل نظیر میزان بدبینی، بی‌اعتمادی، نارضایتی و سردرگمی و همچنین دیگر پرسش‌ها، سنجش اعتبار و اعتماد ابزار اندازه‌گیری انجام شد. به منظور سنجش اعتبار از شیوهٔ «اعتبار محتوا[1]» مبتنی بر نظر کارشناسان استفاده شد و پس از آزمون مقدماتی، با کاربرد آزمون همبستگی، تحلیل عاملی و برآورد ضرایب آلفای کرونباخ و KMO اعتماد یا پایایی ابزار مورد تائید قرار گرفت. آلفای برآورد شده برای احساس آنومی اقتصادی ۰/۷۴ و KMO معادل ۰/۶۷ بوده است. شاخص‌های دیگر هم با ضرایب بالای ۰/۵۵ به تأیید رسیده است.

۳) توصیف یافته‌ها

در مجموع، ۸۱۶ نفر از جوانان شهر تهران مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که حدود ۶۰ درصد آنان را مردان تشکیل می‌دهند. گسترهٔ سنی افراد از ۱۵ تا ۲۹ سال را در بر می‌گیرد. بیشترین تعداد در گروه سنی ۲۴-۲۰ سال (۴۳/۴ درصد) قرار داشته و میانگین برآورد شده ۲۰/۹ سال است. اکثریت پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم بوده و ۲۱ درصد هم تحصیلات کمتر از دیپلم داشته‌اند. در زمینه وضع فعالیت جوانان، ۳۷/۷ درصد دانش‌آموز، ۲۵/۲ درصد دانشجو، ۱۳/۸ درصد بیکار و سرباز بوده و بالغ بر ۲۳ درصد شاغل بوده‌اند.

1. Content Validity

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

شاغلان به ترتیب در مشاغل اداری ـ دفتری، خدماتی، فروشندگی، فنی ـ حرفه‌ای و علمی ـ تخصصی مشغول بوده‌اند. میانگین درآمد اظهار شده ۲۲۷/۵ هزار تومان بوده است.

اکثریت پاسخ‌دهندگان دارای پدر و مادر باسواد بوده، پدران با میانگین سنی ۵۲/۹ سال و مادران حدود ۴۶ سال مشخص شده‌اند. پدران بیشتر در مشاغل پایین و متوسط شاغل بوده و ۸۳ درصد مادران هم خانه‌دار بوده‌اند. میانگین درآمد پدر ۳۷۲/۳ هزار تومان برآورده شده است. در میان جوانان ۸۶/۶ درصد را مجردان تشکیل می‌دهند. به‌طور متوسط ۲/۹ سال از ازدواج ۱۳/۴درصد جوانان متاهل می‌گذرد. سن همسران آنان اکثراً ۳۴-۲۴ سال بوده، تحصیلات حدود فوق دیپلم داشته و با مشاغل خدماتی و فنی در ماه ۳۲۲/۲ هزار تومان کسب درآمد می‌کنند. اکثریت اظهار داشتند که به شیوه‌های مدرن و با انتخاب خود ازدواج کرده و دارای رابطهٔ خوبی با همسرانشان هستند.

در حدود ۷۲ درصد جوانان زمان اوقات فراغت خود را زیاد دانسته‌اند که بر اساس درصدها به ترتیب با معاشرت با دوستان، خواندن کتاب و روزنامه، ورزش کردن سپری می‌شود. کمترین ارقام به فعالیت‌های فرهنگی نظیر تئاتر، سینما، عکاسی، ... و فعالیت‌های داوطلبانه بدون مزد اختصاص داشته است. نسبت قابل توجهی هم اوقات خود را بدون هیچ فعالیتی می‌گذرانند. مهم‌ترین دلیل برای ورزش نکردن نداشتن وقت و عدم دسترسی به امکانات ذکر شده است.

بخشی از پرسش‌ها به سنجش نگرش‌های جوانان نسبت به موضوع‌های مختلف مربوط است، از جمله نگرش مشارکتی که فقط در میان ۷ درصد در حد بالا بوده و اکثراً در حد کم و متوسط به دست آمده است. آرمان‌های شغلی ۴۱/۷ درصد در حد مشاغل متوسط جامعه، ۳۱/۹ درصد بالا و ۲۶/۴ درصد مشاغل پائین بوده است. در زمینهٔ اشتغال به کار زنان ۶۴/۲ درصد مخالف بوده‌اند. در تعریف جوان و جوانی ۳۱/۹ درصد از پاسخگویان دریافتی مثبت نظیر دورهٔ تلاش، شور زندگی، ساختن آینده و ... داشته و ۶۲/۵ درصد برداشتی منفی مثل بدبختی، ناامیدی، حباب روی آب و ... را مطرح کرده و حدود ۵/۶ درصد هم جوان و جوانی را با شرایط معنادار دانسته‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

اصلی‌ترین مسایل و مشکلات جوانان به ترتیب بیکاری و نداشتن شغل مناسب، مشکلات فردی، مشکلات ساختاری جامعه، مشکلات مالی و معیشتی و مسایل مربوط به خانواده و ازدواج مطرح شده است. از نظر پاسخگویان اصلی‌ترین مسایل و مشکلات جامعه هم به ترتیب به فقر و مسایل اقتصادی، مسایل سیاسی، مسایل منفی مربوط به رفتارها و روابط اجتماعی، جرائم و بزهکاری و مسایل منفی مربوط به مدیریت و اداره جامعه بر می‌گردد. جوانان پاسخگو اصلی‌ترین دلیل اعتیاد به موادمخدر را ۵۸ درصد مربوط به شرایط اجتماعی، ۹/۹ درصد عوامل خانوادگی و ۳۲/۱ درصد عوامل فردی دانسته‌اند. با توجه به ارزیابی از وضعیت جامعه و جنبه‌های مثبت و منفی زندگی در کشورهای دیگر، ۲۸/۶ درصد افراد تمایل کم، ۳۵/۷ درصد تمایل متوسط و ۳۵/۸ درصد تمایل شدید برای اقامت در خارج کشور داشته‌اند. در مجموع ۲۵/۲ درصد معتقدند که امکان ادامهٔ تحصیل برای همه، ۶۱/۴ درصد اکثریت و ۱۳/۲ درصد برای اقلیتی از افراد جامعه وجود دارد. در ارزیابی راه‌های پیشرفت در ایران حدود ۴۲ درصد بر فعالیت‌های جمعی مثبت، ۴۲/۶ درصد بر ویژگی‌های فردی مثبت و بقیه به شرایط ساختار تاریخی منفی و ویژگیهای فردی منفی تأکید کرده‌اند.

بسیاری از عوامل زمینه‌ساز احساس آنومی در میان افراد از جمله احساس نارضایتی، بدبینی، بی‌اعتمادی و سردرگمی در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. احساس نارضایتی در زندگی در ابعاد مختلف ادامهٔ تحصیل، اعتماد به نفس، کسب درآمد، احترام اجتماعی، امنیت شغلی، رفاه اجتماعی، تحمل عقاید و رفتارهای مختلف، تحمل سختی‌ها در میان ۱۵/۱ درصد جوانان کم، ۲۸/۲ درصد متوسط و ۵۶/۷ درصد زیاد بوده است. نگرش منفی یا بدبینی نسبت به آیندهٔ شغلی، تحصیلی، موفقیت، راه‌های کسب موفقیت، تحقق آرزوها هم در میان ۲۱/۳ درصد افراد کم، ۳۴/۳ درصد متوسط و ۴۴/۴ درصد زیاد بوده است. اعتماد به دیگران به عنوان بعدی از سرمایهٔ اجتماعی نسبت به پدر و مادر، جوانان، مردم جامعه، غریبه‌ها هم در میان جوانان بالا بوده است، به‌طوری که بی‌اعتمادی کم ۱۴/۲ درصد و بی‌اعتمادی زیاد ۵۲/۶ درصد به‌دست آمده است. احساس سردرگمی و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

عدم تشخیص راه‌های درست از نادرست در زمینه‌های مختلف هم در میان ۱۴/۳ درصد افراد کم، ۴۱/۹ درصد متوسط و ۴۳/۹ درصد زیاد بوده است.

در مجموع احساس آنومی اقتصادی در میان جوانان مورد مطالعه که در بر دارندهٔ ارزیابی آنان در زمینهٔ شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه در ابعاد مختلف به شرح جدول شمارهٔ ۱ به دست آمده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی جوانان بر حسب میزان احساس آنومی اقتصادی

ردیف	ابعاد احساس آنومی اقتصادی	گزینه‌ها		
		کم	متوسط	زیاد
۱	کنترل اقتصاد جامعه توسط تعداد کمی از افراد	۱۱/۷	۳۲/۶	۵۵/۷
۲	اقدامات لازم برای تغییر وضعیت اقتصادی کشور	۱۰	۴۰/۵	۴۹/۵
۳	تبعیت از قوانین و قواعد اخلاقی به منزله موفقیت کمتر	۲۲	۱۶/۵	۶۱/۵
۴	افزایش غیرقابل قبول فاصله فقیر و غنی در جهان	۶/۲	۱۱/۳	۸۲/۵
۵	عدم کنترل بر مسائل اقتصادی چون تورم و . . .درجهان	۲۰/۵	۲۴/۶	۵۵
۶	پرداخت رشوه برای حل مشکلات	۲۵/۷	۲۴/۲	۵۰/۱
۷	نابسامانی شرایط اقتصادی در جامعه	۹/۲	۳۱/۱	۵۹/۷
۸	تمام ابعاد	۱۳/۲	۳۲/۰	۵۴/۳

براساس حاصل جمع ابعاد مختلف، میزان احساس آنومی اقتصادی در میان جوانان مورد مطالعه ۲ /۱۳ درصد کم، ۳۲ درصد متوسط و ۵۴/۳ درصد در حد زیاد برآورد شده است.

۴) تبیین و تحلیل یافته‌ها

نتایج حاصل از جداول متقاطع و آزمون‌های آماری نشان می‌دهد، احساس آنومی اقتصادی بر حسب جنس متفاوت بوده است. مردان با ۷۸/۳ درصد و زنان با ۶۷/۳ درصد احساس آنومی زیاد مشخص شده‌اند، در حالی‌که احساس آنومی کم در مردان ۱۱/۹ درصد و زنان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

۱۶/۵ درصد بوده است (P=۰/۰۰۱). روند فراوانی‌ها در زمینهٔ احساس آنومی اقتصادی نمایان‌گر نوسان در گروه‌های سنی مختلف بوده و بالاترین میزان آنومی در گروه‌های سنی ۱۵ تا ۲۴ سال وجود داشته، لیکن رابطه در سطح قابل قبولی از اطمینان معنادار نبوده است. با افزایش سطح تحصیلات در میان جوانان به ویژه تحصیلات دانشگاهی، احساس آنومی اقتصادی هم افزایش نشان می‌دهد (P=۰/۰۳). در صورتی که کمترین احساس آنومی در جوانان با تحصیلات پایین وجود داشته است. احساس آنومی اقتصادی با وضع فعالیت، نوع شغل و میزان درآمد رابطهٔ معنادار نداشته و احتمالاً نسبت بالای جوانان دانش‌آموز، دانشجو و غیر شاغل در این زمینه اثرگذار بوده است.

در زمینهٔ شرایط خانوادگی یافته‌ها حاکی از آن است که بالاترین میزان احساس آنومی در میان جوانانی وجود داشته که پدرانشان دارای تحصیلات در حد متوسط و مشاغل میانی جامعه بوده، اما با افزایش درآمد پدر از احساس آنومی کاسته شده، به‌طوری که بیشترین میزان احساس آنومی در درآمدهای پایین مشاهده می‌شود (P=۰/۰۵). وضعیت اشتغال، تحصیلات و درآمد مادر بر احساس آنومی اقتصادی فرزندان جوان خود مؤثر نبوده است. احساس آنومی اقتصادی در سطح ضعیف‌تر (P=۰/۱۰) با وضعیت تأهل رابطه داشته، به‌طوری که بیشترین میزان آنومی در میان جوانان مجرد یا ازدواج کردهٔ بدون همسر وجود داشته است.

بر اساس برخی رویکردهای نظری، نحوهٔ گذران اوقات فراغت و فعالیت‌های زمان بیکاری می‌تواند در ایجاد انگیزه، توانمندی و یا احساس آنومی مؤثر باشد. طبق یافته‌ها، بیشترین میزان احساس آنومی در میان جوانانی وجود داشته که اوقات فراغت خود را به امور غیرخلاق می‌پردازند و کمترین در میان افرادی که فعالیت‌های ورزشی، هنری و ... انجام می‌دهند (P=۰/۰۷).

نگرش‌ها و ارزیابی‌های جوانان نسبت به مسایل مختلف، یکی از پارامترهای مهم در ایجاد یا تقویت احساس آنومی است. در این پژوهش نیز برخی از نگرش‌ها و ارزیابی‌ها نقش تعیین کننده‌ای بر این متغیر داشته است. نگرش مثبت به مشارکت در امور مختلف

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

جامعه دارای رابطهٔ معکوس و معنادار با متغیر وابسته بوده است (P=۰/۰۰۳). جوانانی که معتقدند به دلیل وجود تبعیض امکان تحصیل برای همه افراد جامعه وجود ندارد، دارای بیشترین میزان احساس آنومی اقتصادی بوده و کسانی که عدم امکان تحصیل را دلایل فردی و خانوادگی دانسته از کمترین میزان احساس آنومی برخوردار بوده‌اند (P=۰/۰۱). در زمینهٔ راه‌های پیشرفت و موفقیت در ایران هم بیشترین میزان آنومی در میان کسانی مشاهده شده که بر فعالیت‌های جمعی مثبت نظیر مشارکت، فرهنگ‌سازی، اقتصاد سالم و ... تأکید داشته و کمترین حد هم مربوط به آنان بوده که به ویژگی‌های فردی منفی مثل پررویی، ریاکاری، بی‌ایمانی، پارتی‌بازی، قانون‌شکنی و ... اشاره کرده‌اند (P=۰/۰۴). همچنین، بیشترین میزان احساس آنومی اقتصادی به کسانی تعلق داشته که در ارزیابی‌های خود از وضعیت جامعه به نکات بسیار منفی تأکید کرده و تمایل شدید به اقامت در کشور دیگر داشته‌اند و کمترین حد هم از آنِ جوانانی بوده که با نگرش مثبت به شرایط جامعه از تمایل بسیار کمی برای اقامت در کشور دیگر برخوردار بوده‌اند (P=۰/۰۰۰). در ابعاد دیگر ایستارها و ارزیابی‌ها میزان احساس آنومی اقتصادی زیاد در میان جوانانی وجود داشته که در تعریف جوانی، مشکلات جوانان، مشکلات جامعه و دلایل اعتیاد، بر شرایط نامناسب جامعه و خلاءهای موجود در مقایسه با عوامل فردی و خانوادگی اشاره کرده‌اند. این روابط در سطح اطمینان قابل قبولی مؤید فرضیه‌ها نبوده است.

همان‌طوری که در مباحث نظری آمد، فقدان ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی آشکار جهت انتخاب راه‌ها و شیوه‌های مناسب زمینه‌ساز احساس آنومی خواهد بود. در این پژوهش نیز میزان نارضایتی، سردرگمی، بی‌اعتمادی و بدبینی به خوبی تأثیرات خود را آشکارساخته است. در مجموع، یافته‌ها رابطهٔ مستقیم و معنادار میان احساس آنومی اقتصادی و میزان بدبینی را نشان می‌دهند (P=۰/۰۰۰). جوانانی که وضعیت فعلی خود را در ابعاد تحصیلی، شغلی، احترام اجتماعی، موفقیت و... بد ارزیابی کرده و آینده روشنی را برای خود تصویر نمی‌کنند از احساس آنومی بالاتری برخوردار هستند. همچنین، کسانی که میزان بی‌اعتمادی آنان به جامعه، مردم، والدین و دیگران تعمیم یافته بیشتر بوده و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

احساس می‌کنند که مردم، والدین و دیگران هم به جوانان اعتماد ندارند، دارای احساس آنومی اقتصادی بیشتری هستند (P=۰/۰۰۲). میزان سردرگمی جوانان در تشخیص سره از ناسره در ابعاد مختلف و ناروشن بودن معیارهای اخلاقی از نظر آنان سبب شده تا میزان احساس آنومی اقتصادی هم در آنان افزایش یابد (P=۰/۰۰۳). احساس آنومی با افزایش نارضایتی در ابعاد مختلف زندگی به ویژه در مقایسه با گذشته یا وضعیت دیگر گروه‌های اجتماعی، فزونی یافته است، اما نتایج در سطح ضعیف رابطهٔ دو متغیر را معنادار نشان می‌دهند.

به منظور تحلیل دقیق‌تر ارتباط میان متغیرها و اهمیت برخی از آن‌ها (میزان نارضایتی، بدبینی، بی‌اعتمادی و سردرگمی) که علاوه بر تأثیر مستقیم بر متغیر وابسته، می‌توانند به صورت متغیر واسط نقش ایفا نموده و خود از عناصر متعددی تأثیر پذیرند، از ضرایب همبستگی هم بهره‌گیری شده است.

ضرایب برآورد شده نشان‌دهندهٔ همبستگی معنادار میان متغیرهای احساس آنومی اقتصادی، میزان بدبینی، میزان بی‌اعتمادی و میزان سردرگمی است. علاوه بر آن، میان میزان نارضایتی، میزان بدبینی و میزان بی‌اعتمادی همبستگی بالا وجود دارد و تنها میزان نارضایتی با احساس آنومی اقتصادی و میزان سردرگمی همبستگی معناداری ندارد. سایر متغیرهای مستقل هم دارای روابط متفاوتی با یکدیگرند. میزان سن همبستگی معنادار با میزان نارضایتی، میزان بدبینی، میزان سردرگمی دارد، به‌طوری که افزایش نارضایتی با افزایش سن بیشتر شده ولی سردرگمی کاهش می‌یابد و با افزایش تحصیلات جوانان، نارضایتی و بی‌اعتمادی بیشتر شده، ولی احساس آنومی اقتصادی، بدبینی و سردرگمی کمتر می‌شود. میزان درآمد هم دارای همبستگی منفی با بدبینی و رابطهٔ مستقیم با نارضایتی است، ولی با احساس آنومی اقتصادی رابطه ندارد. در میان جوانان با سطح تحصیلات بالاتر پدر، نارضایتی بیشتر و بدبینی و سردرگمی کمتر مشاهده می‌شود، در صورتی‌که با افزایش تحصیلات مادر سردرگمی و بدبینی جوانان بیشتر خود را آشکار ساخته است. در میان جوانان متأهل میزان تحصیلات و درآمد همسر همبستگی ضعیف (کمتر از ۹۵ درصد)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

جدول ۲: ضرایب همبستگی اسپیرمن * میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل

متغیرها		احساس آنومی اقتصادی	میزان نارضایتی	میزان بدبینی	میزان بی‌اعتمادی	میزان سردرگمی	میزان سن	میزان تحصیلات	میزان درآمد پدر	میزان تحصیلات مادر	میزان درآمد مادر	میزان تحصیلات همسر	میزان درآمد همسر
احساس آنومی اقتصادی		۱	۰/۰۰۸	۰/۱۸۶	۰/۰۶۲	۰/۱۳۷	−۰/۲۵	−۰/۰۶۹	−۰/۰۱۳	۰/۰۲۸	−۰/۰۲۸	−۰/۱۷	−۰/۰۴۰	۰/۳۳۲
		۸۰۳	۳۹۳	۷۰۷	۷۸۴	۷۹۸	۷۹۶	۷۸۹	۷۸۰	۶۲۶	۱۳۶	۱۱۰	۹۶	۵۴
میزان نارضایتی		۰/۸۶۸	۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۴۷۳	۰/۰۵۴	۰/۸۱۰	۰/۶۷۷	۰/۴۵۲	۰/۸۵۹	۰/۰۶۹۷	۰/۰۹۲
		۳۹۳	۳۹۷	۳۶۳	۳۸۴	۳۹۵	۳۹۴	۳۹۰	۳۷۷	۳۱۲	۳۵۱	۵۷	۶۵	۳۴
میزان بدبینی		۰/۱۸۶	−۰/۲۸۵	۱	۰/۰۶۹	۰/۳۹۹	−۰/۱۰۴	−۰/۲۶۲	−۰/۲۹۱	−۰/۲۰۶	−۰/۲۷۸	−۰/۲۵۲	−۰/۳۸۹	−۰/۰۸۲
		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰	۰/۰۶۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۱۱	۰/۰۰۰	۰/۵۸۳
میزان بی‌اعتمادی		۰/۰۶۲	۰/۱۴۰	۰/۰۶۹	۱	۰/۰۷۸	۰/۰۲۹	۰/۰۴۴	۰/۰۴۱	−۰/۰۳۴	−۰/۰۳۰	۰/۸۴۰	۰/۵۱۳	۰/۳۰۶
		۷۸۴	۳۸۴	۶۹۸	۷۸۹	۷۸۵	۷۸۲	۷۷۴	۷۶۳	۶۱۵	۷۲۳	۱۰۸	۹۱	۵۳
میزان سردرگمی		۰/۱۳۷	۰/۰۰۸	۰/۳۹۹	۰/۰۷۸	۱	۰/۱۵۳	−۰/۳۳۲	−۰/۱۵۰	−۰/۸۶	۰/۱۲۳	۰/۰۴۸	۰/۱۸۷	۰/۰۷۳
		۷۹۸	۳۹۵	۷۰۹	۷۸۵	۸۰۷	۸۰۰	۷۹۲	۷۷۹	۶۳۰	۷۳۹	۱۱۲	۹۶	۵۴

* Correlation's Spearman

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

با احساس آنومی اقتصادی داشته است. اما با افزایش تحصیلات همسر نارضایتی افزایش و بدبینی کاهش داشته است. به این ترتیب، برخی متغیرها به‌طور مستقیم با احساس آنومی اقتصادی همبستگی داشته و برخی به واسطهٔ متغیرهای دیگر چون نارضایتی، بدبینی و سردرگمی بر آن مؤثر بوده‌اند.

۱-۴) تحلیل چند متغیری

در تحلیل‌های دو متغیری، همبستگی و معنادار بودن رابطهٔ احساس آنومی اقتصادی جوانان با متغیرهای مستقل سنجیده شد. به منظور تعیین سهم هر یک از متغیرها در تبیین متغیر وابسته تحلیل چند متغیری انجام شده است. بر اساس نتایج حاصل از کاربرد روش‌های گام به گام[1] و چندگانهٔ توأم[2]، احساس آنومی اقتصادی در درجهٔ اول تابع میزان بدبینی، بی‌اعتمادی و به ویژه سردرگمی بوده که با عوامل فردی، میانی و ساختاری بسیار عدیده‌ای مرتبط است. یافته‌های پژوهش مؤید این واقعیت‌اند که این نوع رویکرد منفی به وضعیت جامعه به ویژه در ابعاد اقتصادی زمینه‌ساز ایجاد یا افزایش احساس آنومی در میان جوانان خواهد بود. افزون بر آن، نوع نگرش‌ها و ارزیابی‌ها از وضعیت موجود هم از لحاظ تأثیرگذاری بر شکل‌گیری و تقویت احساس آنومی اقتصادی حائز اهمیت است. شرایط فردی و خانوادگی به ویژه وضعیت تحصیلات و درآمد پدر هم در سنین جوانی می‌تواند در امید به آینده، رضایت بیشتر و تشخیص راه‌ها، شیوه‌ها و معیارهای مناسب از سوی جوانان مؤثر افتد.

1. Stepwise
2. Enter

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

جدول ۳: تحلیل چند متغیری احساس آنومی اقتصادی جوانان

ردیف	متغیرها	بتاها Beta	آزمون T	معناداری T Sig T
۱	جنس	-۰/۱۱	-۲/۵۱۹	۰/۰۲۱
۲	تحصیلات	-۰/۰۷	-۱/۷۴۱	۰/۰۴۷
۳	تحصیلات پدر	۰/۱۱	۳/۰۰۲	۰/۰۰۸
۴	درآمد پدر	۰/۰۸	۱/۹۳۲	۰/۰۴۱
۵	شدت تمایل به اقامت در خارج از کشور	-۰/۱۹	-۳/۰۵۲	۰/۰۰۵
۶	نگرش به مشارکت	۰/۲۴	۴/۱۲۵	۰/۰۰۱
۷	میزان بدبینی	۰/۵۷	۹/۷۲۵	۰/۰۰۰
۸	میزان سردرگمی	۰/۴۵	۸/۲۳۴	۰/۰۰۰
۹	میزان بی اعتمادی	۰/۳۲	۶/۱۲۷	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج نهایی تحلیل چند متغیری که در قالب مدل شمارهٔ ۱، آورده شده، می‌توان تأثیر متفاوت عوامل را مشاهده کرد. عوامل وارد شده در مدل، ۴۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند.

model	R	R Square	Adjusted R Square	F	sig
۱	۰/۸۵۷	۰/۷۳۱	۰/۴۸۳	۴/۷۸۹	۰/۰۰۱

مهم‌ترین عامل بر حسب بتاهای محاسبه شده مربوط به میزان بدبینی با ضریب ۰/۵۷ و پس از آن میزان سردرگمی با ضریب ۰/۴۵ و میزان بی‌اعتمادی با ضریب ۰/۳۲ است که خود محصول شرایط و عوامل عینی و ذهنی به هم پیوسته‌ای در سطوح ساختاری و فردی است. پس از آن نگرش به مشارکت و شدت تمایل به اقامت در خارج کشور با بتاهای ۰/۱۹- و ۰/۲۴ قرار می‌گیرند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

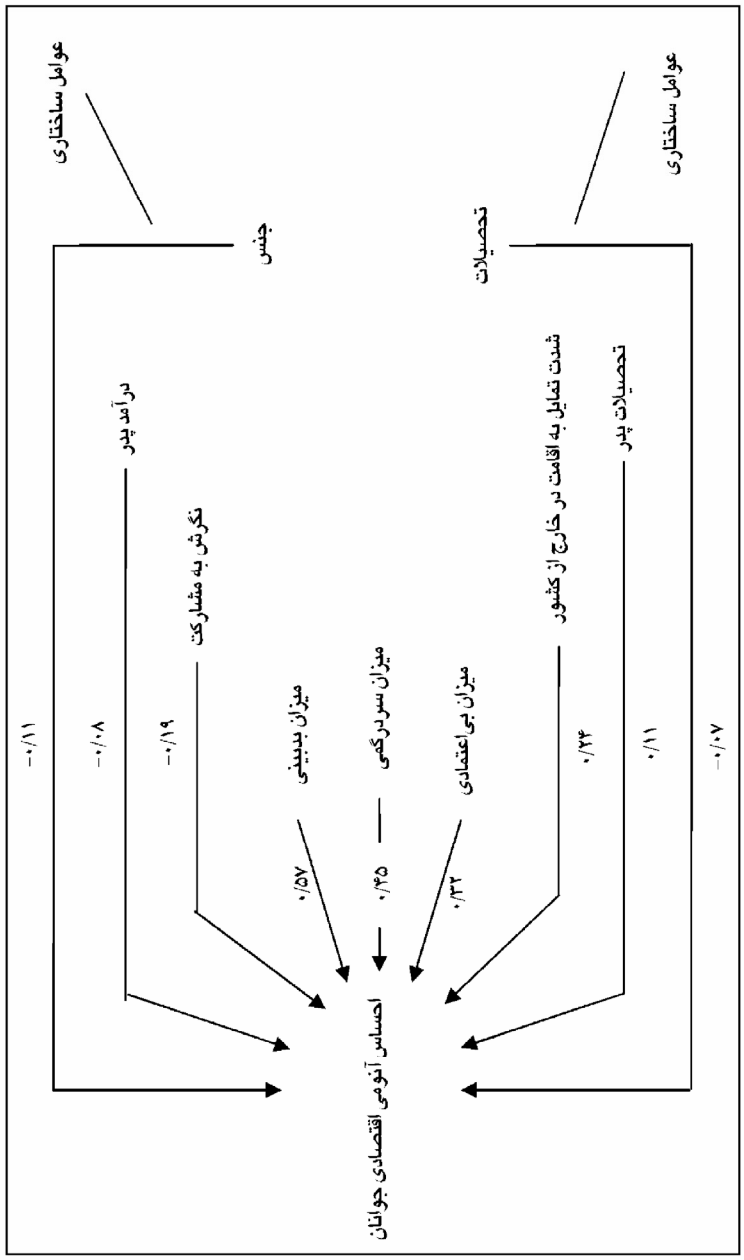
در متغیرهای مربوط به خانواده، درآمد پدر با ضریب بتای ۰/۰۸- توانسته تأثیر منفی خود را در پیش‌بینی تغییرات احساس آنومی نشان دهد و تحصیلات پدر هم بخشی از تغییرات احساس آنومی اقتصادی جوانان را با سهم ۰/۱۱ تبیین می‌کند. تحصیلات و جنسیت جوانان هم با ضرایب بتاهای خود در کنار دیگر متغیرها، پیش‌بینی کننده بخش دیگری از تغییرات احساس آنومی اقتصادی هستند. به این ترتیب، همان‌طوری که در مدل شمارهٔ ۱ هم آمده است ۴۸ درصد از تغییرات احساس آنومی اقتصادی جوانان را می‌توان با متغیرهای فردی، خانوادگی، نگرش‌ها و ارزیابی‌های افراد پیش‌بینی کرد که در معادله وارد شده‌اند. بقیه هم به عناصر ساختاری باز می‌گردد.

۵) بحث و نتیجه‌گیری

مسایل جوانان در ایران، هم گام با پدیدهٔ جهانی شدن و رخدادهای اقتصادی و اجتماعی چند دههٔ گذشته دستخوش دگرگونی شده است. جوانان امروز از لحاظ احساسات، اعتقادات، نگرش‌ها و رفتارها با نسل‌های دیگر متفاوتند و مسایل آنان هم به تبع تحولات پدید آمده متفاوت خواهد بود. نتایج به‌دست آمده از پژوهش نمایان‌گر وجود ۵۴ درصد آنومی زیاد در میان جوانان است که نشان می‌دهد جامعه بر اساس ارزیابی جوانان، در وضعیت نابسامان و آنومیک قرار دارد. این ارزیابی که بر مبنای شاخص‌های احساس آنومی اقتصادی برآورد شده، نشان‌گر وضعیتی است که جوانان در آن، حالتی از گسستگی میان خود و جامعه را تجربه می‌کنند که بسیار نگران کننده و خطرساز است.

طبق یافته‌ها، سردرگمی جوانان در انتخاب روش و الگوی زندگی، ناروشنی معیارها برای تشخیص راه‌ها و شیوه‌های درست و نادرست، بی‌اعتمادی نسبت به دیگران، تصور بی‌اعتماد بودن از سوی دیگران، بدبینی و ناامیدی نسبت به آینده و دستیابی به آرزوها و زندگی مطلوب، نارضایتی از زندگی، احساس تبعیض، تصور از شیوه‌های غلط برای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]



[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

پیشرفت در جامعه، ارزیابی منفی از وضعیت کشور و تمایل شدید به اقامت در سایر کشورها همه معرف شرایط نابسامان اجتماعی ـ اقتصادی در ذهن جوانان است که بر احساس آنومی اقتصادی تأثیرگذار بوده است. همان‌طوری که در مباحث نظری آمد، در این شرایط نسبت قابل توجهی از جوانان در انتخاب هنجارها و تبعیت از قواعد رفتاری دچار مشکلات جدی هستند.

در انطباق یافته‌ها با مباحث نظری می توان گفت به اعتقاد دورکیم مردم در جامعه شیوه‌هایی را دنبال می‌کنند که از انتظارات، نیازهای طبقاتی، شغل و ... سرچشمه می‌گیرد. در این پژوهش نیز جنسیت، سطح تحصیلات، تحصیلات و درآمد پدر، نحوهٔ گذران اوقات فراغت و نگرش به مشارکت، تأثیر خود را بر احساس آنومی اقتصادی آشکار ساخته است. به زعم دورکیم در دورهٔ نابسامان، این نقاط اتکاء گسسته شده و زمینه برای افزایش احساس آنومی و حتی اقدامات منفی نظیر خودکشی فراهم می‌شود (Durkheim, 1951). یافته‌های به دست آمده در زمینهٔ تاثیر مثبت درآمد پدر، پرداختن به فعالیت‌های خلاق در زمان فراغت و نگرش‌های مثبت نسبت به مشارکت، پیشرفت از راه‌های درست و... مبتنی بر نظریهٔ مرتون هم حاکی از آن است گروه‌هایی که در جامعه اعتقاد به موفقیت از طریق شیوه‌های متداول را ندارند و یا به دلایلی چون فقر فاقد فرصت‌های لازم هستند، به سمت راه‌ها و شیوه‌های غیر متداول و نابهنجار برای دستیابی به اهداف گرایش پیدا می‌کنند. آنان می‌خواهند بازی را بدون توجه به قواعد آن برنده شوند، این مسأله به ویژه در بعد اقتصادی حائز اهمیت است (نگاه کنید به: **دایره‌المعارف علوم اجتماعی**، ۲۰۰۲). معناداری روابط به دست آمده و همبستگی میان متغیرها به خوبی این نظریه را تأیید می‌کند. بدیهی است، احساس آنومی اقتصادی از منظری دیگر هم قابل تأمل است، به‌طوری که افزایش و شدت این احساس در میان جوانان بازخوردی برای تقویت و تشدید شرایط آنومیک جامعه خواهد بود.

نکتهٔ آخر آن است که تحولات گسترده، انتظارات و مطالباتی را بر دوش جوانان و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

محیط‌های زندگی آنان قرار داده که برای پاسخگویی مناسب ـ انطباق انتظارات با امکانات و راه‌های دستیابی به آن‌ها ـ به این خواسته‌ها بایستی رویکرد و عملکردی متفاوت اتخاذ کرد. در رویکرد نوین، بایستی سیاست‌های سنتی در مورد جوانان که آنان را به بی‌توجهی نسبت به واقعیات زندگی خود متهم کرده را به چالش کشید و با روش همدلی و مشارکت نیازهای واقعی و ایده‌هایشان را دربارهٔ مسایل، مشکلات و آرزوهایشان برای آینده شناسایی و سپس برای ایجاد امکانات و راه‌های صحیح دستیابی به آن‌ها سیاست‌گذاری و برنامه‌های جامع تدوین کرد تا هرچه بیشتر پیوند میان فرد و جامعه مستحکم شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

منابع

References

- پیران، پرویز. (۱۳۸۵)، **بررسی مسائل و مشکلات جوانان در ایران**، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- کوثری، مسعود. (۱۳۸۲)، **آنومی سیاسی در ایران**، نامهٔ علوم اجتماعی، شمارهٔ ۲۱.
- گیویان، عبدالله. (۱۳۷۳)، **بررسی آنومی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۰)، **بیگانگی**، نامهٔ علوم اجتماعی، شمارهٔ ۵.
- مرجایی، سیدهادی. (۱۳۸۲)، **سنجش و بررسی احساس آنومی در میان جوانان**، فصلنامهٔ مطالعات جوانان، شماره ۵.

- Abercrombie, Nicholas; Hill, Stephan & Turner, Bryan, S. (1988), **Dictionary of Sociology**, USA&UK, Penguin Books.
- Abraham, Francis & Morgan, John Henry. (1994), **Sociological Thought**, India, Macmillan.
- Agnew, R. & White, H. (1992), **An Empirical Test of General Strain Theory**, Criminology 30(4).
- Bernstein, J. Richard. (1986), **Philosophical Profiles: Essays in a Pragmatic Mode**, UK, Polity Press.
- Berger, Peter, L. & Berger, Brtgitte. (1983), **Sociology: A Biographical Approach**, USA&UK, Penguin Books.
- Cloward Richard, A. & Ohlin, Lioyd E. (1998), **Delinquency and Opportunity**, London, Routledge.
- Cohen, Albert. (1955), **Delinquent Boys: The Culture of the Gang**, NewYork, Free Press.
- Cohen, Albert. (1977), **The Concept of Criminal Organization**, British Journal of Criminology.
- Cloward, R. A. & Ohlin, L. E. (1960), **Delinquoency and Upportunity: A Theory of Delinquent Gang**, NewYork, Free Press.
- Durkheim, Emile. (1951), **Suicide**, New York, Free Press.
- Durkheim, Emile. (1964), **The Division of Labor in Society**, New York, Free Press.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

References منابع

- Durkheim, Emile. (1951), **Suicide: A Study in Sociology**, Glenco, Illinoise, Free Press.
- Giddens, Anthony. (1985), **Sociology**, UK, Polity Press & Blackwell.
- Haralambos, M. & Heald, R. M. (1992), **Sociology: Themes and Perspectives**, UK, OUP.
- Merton, Robert, K. (1938), **Social Structure and Anomie**, American Sociological Review, Vol: 3.
- Merton, Robert, K. (1959), **Social Conformity, Deviation, and Opportunity Structures: A Comment on the Contributions of Dubin and Cloward**, American Sociological Review, Vol: 24.
- Merton, Robert, K. (1968), **Social Theory and Social Structure**, New York, Free Press.
- Morrison, Ken. (1995), **Marx, Durkheim, Weber: Formation of Modern Social Thought**, USA&UK, Sage Publication.
- Pen University. (2002), **Dictionary of the Social Science**, Pen University.
- Stockard, Jean. (2000), **Sociology: Discovering Society**, Wadsword& Thomson Learning.
- Sztompka, Piotr. (1994), **The Sociology of Social Change**,USA, Blackwell
- Tischler, Henry L. (2002), **Introduction to Sociology**, Wadsworth & Thomson Learning.

.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]